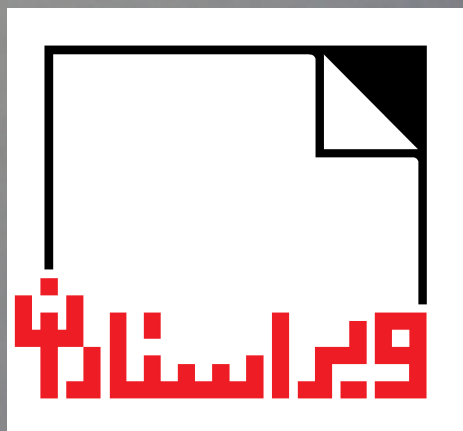


فهرست منجزات دفتر زندگی

- (۱) پیشگفتار: ص ۳ تا ص ۴
- (۲) نسینامه خانم زین پیری: ص ۷ تا ص ۱۳
- (۳) نسینامه خانم زین ماری: ص ۱۴ تا ص ۱۷
- (۴) مشاعر اداری و فرهنگی: ص ۱۷ تا ص ۲۰
- (۵) فهرست آثار روز تبع
مستون منظم و منثور
و تالیف و ترجمه: ص ۲۱ تا ص ۲۵
- (۶) فهرست مقالات: ص ۲۵ تا ص ۲۸
- (۷) عکسها از دوره مختلف زندگی ص ۲۹ تا ص ۳۷
- (۸) و سیستان (عصفه) ص ۳۸ تا ص ۴۱

متن این فایل را اینجا بخوانید:
virastaran.net/a/11012



بیمه نام روز شنبای محشر پیش که روشن چشم از دست آفرینش
۱- پیشگفتار

می دانیم فاصله زمان زاده شدن تا مردن آدمی طول عمر اوست.

اما آدمی جز طول عمر عرض عمر نیز دارد و آن همانست که دانشمند عالیه

نسیخ تا زینس ابرو علی سینه ۳۷۰ تا ۴۲۸ هجری قمری با پنجاه و هفت سال
زندگی در پانچ نکته گیری که او را به رعایت اعتدال در هر حی احتمال

توجه می کردن گفته است: "خواهان عرض زندگیت نه طول آن"

اما طول عمر یا عرض آن تعبیر است دیگری نیز دارد. از شاگردان

دکتر پرویز مایلی خانندی استاد دانشمند در مشکان عمران و شاعر با دق
مدیر بادی بهر محله سخن نقل شدن که به یکی از همکاران خود در محله گفته است

"عمر دو هزار و پانصد ساله دارد" و پیداست که مراد او از این بیان

آگاهیه است که از مظاهر گوناگون مدنیت و آثار باارچ مادی و

معمولی علم و ادبی الهی و ابتکاری مردم ایران از آثار فرخنده و عالی

ماددها تا زمان خود اوست که در این باره

تعمیر از این مقدمه سکینه کردن بر عرض عمر یا طول آن نیست. مراد

اشاره کردن به سالها نیست که صرف بجزیره گیریه و انجام دادن

کارهای گوناگون شده است که مجموع آنها به تعبیری حکایت از عرض

عمر نیز دارد و طول آن: "تا آنکه در روز چهارم اسفند ماه یک هزار و سیصد و نود و هشت

سالگی منقذ شده ام. امروز که چهارم اسفند ماه است و منقذ شده ام

۱۰۳۱ هـ که به نود و هفتمین سال عمر بنا بغداد ام و بزرگ از بزرگان
چند گایه دیگر خاتم زیت نا آگاهم . خدای تعالی دانند و پس -

عمر بن عمر حساب دیگری نیز دارد بدین شرح :

سفت و دو سال با پدر که در هزار و سیصد و هشت شصت شمسی در گذشت و هفتاد و
چهار سال با مادر که در هزار و سیصد و هفتاد و چهار در فانی را در اوج گفت ؛ تا او را
سفت و چهار سال با عمه و سفت سال با فرزندان . نه سال در مدرسه
امید داشت چهار بدی قرظین با علمانی سرا با اخلاص و سواد تعلیم دهن ، رسول
و با فضیلت چون شادروانان سید محمود خیری ، سعادت الله نعینی ، محمد تقی نوادری
محمد سنجیدی ، ابراهیم دانش ، سید محمد مصطفی ، عبدالحی زکیان ، اکابلی
سر رشته داری ، ناظم شباتی ، ساهر و مدیری با تحفیت چون رحیم غلامرضا
نعمت فرزند نعمت العلماء عبدالمرب آبادی که نویسنده گان نامه دانشوران بر برگزیدهان دوره
ابتدائی در سال اول متوسطه ؛ بلکه در جزئیات فرزند قرظین به تدریس حساب
در دبستان هبلوی و نابزده بهمن دادار ؛ دفتر دبستان پهلوی و سالی وردنگنده بخون
برارکب میفر و پنج سال در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران (دوره سه ساله پس از
دو ساله دکتر زبان و ادبیات فارسی) با بهره مندی از محقر استادان ارجمندی چون
شادروانان احمد بهمنیار ، سید کاظم عصار ، بدیع الزمان فرزند نغز ، بکات الشجاده بهار
دکتر لطفعلی صدریگر ، فضل ترقی اعلیٰ حسن حکیم شیرازی ، محمد تقی مدرس رضوی ، سید محمد تهرانی

دکتر محمد باقر قزوینی، دکتر غلامعلی زیدی آذربایجانی، دکتر علی اکبر سبکی، دکتر حسین
 زیدزاد (۱۳۰۵)، دکتر محمد مقدم، دکتر دانیال امین زعفرانی، دکتر جلالی، دکتر حسین خلیلی زیدی
 دست‌نویس سال ۱۳۰۴ علامه مرحوم علی اکبر دهخدا در تنظیم مطالبه حروف خطی، فن اول.
 کتاب "دیباچه سال ۱۳۰۴" دکتر محمد معین در لغتنامه دهخدا و در این بخش ایرانشناسی چهل
 کتابی را برچشم دکتر سید جعفر سجیدی در لغتنامه دهخدا بر اتمام تألیف و طبع لغتنامه دهخدا
 و تألیف لغتنامه فارسی که بنیادگذار آن بودم با باری همکاری این مجموعه در مورد
 تألیف دست‌نویس دیباچه سال ۱۳۰۴ خدمت دولت (وزارت دارایی، ادارات کل
 مابین ایالتی غیر مستقیم و مالیاتها منعم و سواد عالی مالیاتی) را نیز مجموعاً چهل و پنج سال
 تدریس در مدرسه عالی ادبیات کتبت در این حکمت بنیاد نهاد در فرم سردار ارجمند کرد
 و در مدرسه عالی حسابداری و آموزشگاه عالی وزارت دارایی در رشته علم ارتباطات
 و نیز دو بار در دانشگاه کتبت همین و در سایر دانشگاهها، عین شکر مهر و نگاه بین المللی
 و در نگاه ملی، کشید از بنیاد کتبت در این بین از هفتاد سال صرف تفریح و تفریح استون
 منتظم و منسوخ حدود نود و شش رشته‌های مختلف ادبی، علمی، تاریخی، لغوی، جغرافیایی
 و دستور زبان و کتب درسی و سفرنامه‌ها که بسیار از آنها به خدمات کتبت طبع شده‌اند
 از سال ۱۳۰۵ هجری تا سال ۱۳۰۸ هجری استاد پیر (۱۳۰۸ هجری) سمت دبیری
 انجمن ایرانشناسی را داشته‌ام و نیز عضویت هیئت علمی انجمن آثار ملی را از ۱۳۰۸ تا سال
 ۱۳۱۹ هجری. چندی از این هیئت کتبت به علمی مجله پیام نور در دانشگاه پیام نور تهران
 و دو سال دبیریت کتبت "نشریه مالیات" با وزارت دارایی با معاهده دار بودم؛ قدامت در

مهرت لفظ مالایا مور در عمل از سال ۱۲۹۶ شمسی تا سال ۱۳۰۴ شمسی را
 گرد آوری و به طبع رساندیم و پیش از آنکه آن مقاله در مسکن گوناگون
 نوشته ام که در محبت هم کثیر به حسب رسیده اند و عدتت علم را برای
 طبع جداگانه آماده ساخته ام با شرح احوال و آثار برخی رجال علمی و ادبی و
 بررسی نشر در دوازه المعارف جنای که در ذوق یا خارج کشور طبع و نشر می شوند
 مینویس و تقدیم آنان کرده ام. سخنرانیها در تهران مشهد و کرمان و تبریز و
 در کتبه آلمان و انگلیس دهند و چنین به مناسبات مختلف ویراد کرده ام
 سفرهای ما فایزاده در ایران و نیز در اروپا و ترکیه دهند و کثیر چنین تنها
 یا با طبر و فرزندان داشته ام و ساعات بسیار با فرزندان طرف بررسی در
 و در معانی آنان کرده ام. اینها را چون گرد آوریم عرض زندگی را به مرز
 پیش از هزاره و دویست سال فی رساند. اما به قول جمال الدین عبدالرزاق
 اصفهانی در قصیده ای که خطاب به خانمائی سروده است: "اینکه خود
 صیبت است" حقیقت آنست که کسانی سرورزی بیان کرده است
 که گفت چه درم از این سلیک شده تمام شمار نامه یا عهد عهد گرفته و با
 همه آنکه را به لطف حقایق بگمانه و همیشه می خوانند گمان گرامی از نقایص
 آنما و بعد از درسته با هم و
 در بیان یا احقر تمام ذکر خاندان پدری و مادری را حسب ختم این مقال در
 این باب

اینکه اینها را در این باب

(۳) تسبیحنامه خاندان پدري از سلسله سادات حسینی

بدرطبق گفته مرحوم پدرم به تو دایم تسبیح ده سینه از نیایگان خود در نیز
 نیز همینای اسناد در نوشته های بلا ما ندن از آنان پس از واقعه شهادت
 پیشوایی سر شانس شیعه مرحوم زین الدین علی بن احمد عاملی جبللی حضرت
 شهید ثانی در سال ۹۵۶ هجری قمری در لبنان از خاندان ما با دو خاندان
 سیاقه شهادت "تائله باشها" همراه عزت الدین حسین بن عبد الصمد بن
 شمس الدین محمد حارث جبللی عاملی شاکر در شهادت ثانی و فرزندش که نام
 شیخ بهاء الدین محمد عیسی عاملی به ایران می آیند در قزوین که آن زمان پخت
 صغویه نژده است مقیم می شوند

آ میر اسماعیل نخستین فرد از خاندان پدري ما است که از وی آگاهی داریم
 که در روزگار شاه عباس اول صفوی می زیسته است (۹۵۶ تا ۱۰۳۸ هجری قمری).

از فرزندان آ میر اسماعیل تا دو نینزه ایشان آ میر محمدی و آ میر قاضی
 از طبق سلاجط بیگم که منشیان حضرت نادر شاه افشار بوده اند، آگاهی نداریم
 منتهی تا فاصله زمانی در گذشت آ میر اسماعیل با نادر آ میر محمدی باید سه مرتبه
 در میان باشد آ میر اسماعیل در زمان نادر شاه افشار در میان منشیان نادر شاه که با نادر خرد
 در خدمت نادر شاه بوده و منشیان نادر شاه است، بی موافقت آن پادشاه از خدمت
 دوزبان از نادر شاه به قزوین می آیند و در زمان نادر شاه تقیبات نام دارد

در بالا خانه منزل خود که آن زمان در محله درستی بقعه ایستاده است

و گنبد دراز یعنی مقبره حمد الله مستوفی واقع بوده است مخفی می بشوند
 و بنا و خنجره کردن معنای آب و آذوقه دستوری در خانه در بالا خانه را از بیرون
 بیخه کنند و آنجا را به حالت متردک در آورند تا کسی به محل اختفا آید
 می بزند . با برون نادری پس از مدتی به جبهه آنجا می آیند ، خانه را تکیه نظر
 می گیرند و اهل خانه را از بیرون که آن جلدگیری بشوند . همه در جبهه روز از آن
 اختفای بگذرد . روزی کثیر میماند که داشته اند در حیاط خانه سگوه دانه
 سر می دهد و از بجهت برون به آنجا است در خانه ، حتی اجازه حمام رفتن ندانند
 فریاد دقت می دارد و می گوید خدا این زندگی بهتر از ترک را بزند که گنبد
 دیگری باید در آتش سخته بسوزیم . سگوه و ناله کینز در در برادر مخفی
 تا اثر عمیق می کند . تقسیم می گیرند از مخفیگاه بیرون آیند و به اردی شاهی
 که آن ادا در همین ساطعینه بوده است بروند خود را تسلیم بر نوبت سازند
 بلا این بنیت عازم آنجا می شوند . مادر که از ختم و بخت کشتی می امان
 خادش به آگاهی دارد مخفیانه یکی را به دنبال منزل بعد از خود روانه می سازد
 تا اگر واقعه ناگواری برای آنان روی دهد باز گردد و او را آگاه سازد
 و در برادر بیرون می رسند و به چادر میریزند محمد خیابان استر و یادی منشی الماسک
 منشی برودند و می گویند آمده ایم تا از سلطان حلیب عفو از ترک خدمت می اجازه
 بخواهیم پس به مخازات می رسیم . میرزا احمد کفایت که بیست و سه آنان را با عینان

هفتم گواهی خطاب می کردن است می گویند : خانه خرابان ! این چه موقع
 آمدن بود که تا در این زمان احوالی سخت متعین دارد و بر چند کس خشم گرفته است
 و آمان را در حضورش باطناب خفه کرده اند. با همه دوستی و لطف که با ما داریم
 به حکم روش و قانون نادری باید لقمه در این ساعت باز آمدن شما را با نگاهها و چشم
 و بی درنگ دو برادر را به سراپرده شاه می برد. دو برادر تعظیم می کنند و چون بید
 نکران میسر می آید اعلان کنند و گوش به فرمان شاه می سپارند. نادر با دیدن ایشان
 به خشم می آید و خطاب به آنان می گویند : " پیروان کلان سیاه کجا بودید ؟ بیستم
 شما خفه گفتند ؟ " یکی از دو برادر همین اندازه از نادر می گویند : قربان !
 ما چون شکست قلبی بودیم ، هر جا رفتیم کسی ما را به چیرنی نگرشست : ناگزیر نزد صاحب نمودیم
 و پس از مدت درخت و سرس بهیوش می خورد . به دستور نادر دست داری ادا می گیرند
 و از چهار برادر می برند. مودی که نادر او را برای آلمان استن از سر زشت فرزندانش
 مخفیانه به دنبال آمان فرستاده بود ، هلیفته که از دور می بیند ، یکی را دست داری گرفته
 از چهار برادر بیرون آورند ، به دستور اسکندر ادرابطاب اندخته و خفه کرده اند
 خدا به قهر و عزم بازمی گردانند ، با نذر دانه نوره ، مرکب ایشان را اطلوع می دهد ، بشون و
 زاری در خانه آغاز می شود و به آینه هر اسم عزا داری می پردازند . دو برادر از بزرگی
 به وسالت میرزا معصومان سرزد عفو نادر قرار می گیرند ، دست عار معصیت از خدمت
 استیفاء مستوفی دربار نمودن بزمور قبول شاه قرار می گیرد . شاهان به تروین می آیند
 و در حالی که در خانه می شوند که مجلس سوگواری برای آمان برپا کرده است ، و انقضای
 تلخی سیاه بهوش شدن بودند ، عذا به سردر و غم به شادی بدل می شود ، اما آنچه

سبب می شود. وصیته کنند که از اولادشان کسی وارث عدلست در این نبود
 در خود باقی عمر از در آمد مملکتی که در دهستان قاقزنان به نام میل آباد
 در حدود بنگ از مشته انگه بجای داشته اند. امرار معاش کردند در این توکله
 و وصیت در چهار نسل از فرزندان آنان رعایت و عملی می شود.

از فرزندان آقیر معادی خیزی ندریم را با آقیر معادی خلیفه فرزند می نام
 نام بر او آقا اسم داشته است و او پسری هم داشته است به نام آقا سید محمد در گذشته
 به سال ۱۲۳۵ قمری از او که سید عاقی که خط خوش نوشته است (در دست دوم)
 او نیز جنگی که در او از معادی خانزاده خط کوبه گوناگون منظم و بهمنی
 در آت نوشته اند با حکایاتی از تاریخ به نام میران به خط خندان و دیگر
 در کتابخانه این دولت زینت بخش است. چیزی حک که دیگر از خانزادان مادر می
 فرزندان آقا سید محمد صیام آقا سید ابوالقاسم نیز خوشنویس بوده است و در جنگ لوردا
 خطاطی از ایشان به خط خوش با تاریخهای ۱۲۳۵، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۵ و ۱۲۶۶ و ۱۲۶۷

۱۲۶۸ قمری در پنج گره دیده است. میر معزی کار در تقویم او زمانه خطاط
 بوده است و در خود از پیران ده میل آباد شنیدم که زالی آنجا است و هنری او را
 هم تبرک کرده است و در هر صورت خودی زده اند و معتقد بوده که کشفای ایشان
 می در حالت دست آدمی در مدخل اقامتگاه در بگرامت خلعت می شود و آماده
 اسفانده که به بی است نمانی از اعتقاد آن مردم بوده و بی ریاست
 در هر چه آقا سید ابوالقاسم دو پسر به نامها سید محمد و سید ابوالقاسم و دختر می نام
 به هر طرف در گذشته است.

آقا سید اسماعیل در طهران اقامت می کنند. آن مرد هم میرزا سیام آقا سید ابوالود
 و در خراسان از پدر ابی بکر و از مادر سید علی که مادر سید علی و سید ابی بکر است.
 از آقا سید محمد که پیش از زاری است خانه خدا قدمش خوار زیبا معروف است
 حاج سید محمد از خوشنویس شده است. خواهرهای بسیار ایشان منزل مسکونی است و
 از محاربت بقیه مابینه خاتون و گنبد در نزد سید محمد کاکلیه منتقل می سازند
 ما چنین جناب در باغچه برادر همگی از فرزندان و حجاب و در خراسان و حجاب طولی
 و در آن سکه خانه و باقی سید و شریف بود و در آن متر مربع محاط بر نازیدی سرفه می کردین
 که اصطلاحاً همان آن صفا می گفتند با عفت و بگو در خندان با دم و قوت در ترس سیه و صلو
 داشت و زمینهای برادر کشته بر بچه که از آن صفای استیک جز نام باغ دیگر چیزی بودی

بمانده است. در آن جا سید محمد خوشنویس (حاج سید محمد سیاقی) از چهار همسر که به تنوای

داشته است و از او هفت پسر و سه دختر شده است بدین شرح :

همه کنیت ایشان دختر جمیع محمد حسن اعلی است. (دانش آن را می دانیم) از اولین
 ایشان دختری به نام خدیجه خانم متولد گردیده که به همسر میرزا حاج علی نقی وکیل القمار
 معروف است و کمال در داده است و دختر دیگری به نام حرم بیگم خانم که همسر آقا علی از خاندان
 سیاه چوبها شده است و در آن زمان آقا سید ابوالقاسم
 هم در دم مرحوم حاج سید محمد پس از آن درگذشت همسر اول و حاج خاندان است دختر
 حاج محمد تقی اعلی برادر مرحوم حاج رضا اعلی بانی حقیقه امینها که از اجداد چهار پسر
 داشت دختر متولد شده است بدین شرح :

آقا سید حسین که در دریا علی درگذشته است ، آقا سید حسن که لغت
 در میان ملک در گذشته است و کتب کهن از زمان است که بر حسب
 بعضی که خدمت دولت بر خلاف تو صیبه بنایان در آن بوده است
 آقا سید باقر (پسر گلارنده) ، آقا سید احمد و علیزاد بیگ خانم که پسر
 آقا سید معتمد پسر میران در آن بوده است و در آن زمان
 پسر سید مرحوم حاج سید محمد که پسر در گذشتت پسر سید اجتناب کرده است
 شیرین خان نام است پسر دولت ، حاج مشاهیر زاده خانم ، دختر مرحوم ازین کلاه خانم
 فرزندان علی نقی میرزا ، ملک آرای اولی ها که فرزند فتحعلی شاه قاجار
 و از بطن اوست پسر بی نام آقا سید محمود ملقب به سید حسنور بود و دختر
 یکی بی نام ربیب خانم پسر مرحوم حمید خانی دیگری بی نام زینت است که خانم
 پسر مرحوم آقا میرزا ابوالقاسم و از اشعاری متولی مسجد سلطانیه قزوین
 مرحوم حاج سید محمد که سه بار با فاندان اینینا وصلت کرده بود
 ملقب به کورگان " یعنی در آمد قلعه بوده
 مرحوم حاج سید محمد همزمان با ازواج پسر سید خود در ایام آن است در
 ده لیل آباد برابر گذشته معمول صیغه از آنرا می همان دن گرفته بوده است
 با نام خاچه ریاحی که لزر دلمان فرزندی بی نام آقا سید اسماعیل شده بود
 مرحوم حاج سید محمد سیاق (خوشنویس) مانند پدر و حبه جویش از در آن
 و ملک سردق خرد و پسرانش ، یعنی از لیل آباد و کوهین در ایام آباد و در سنینک و کجینک
 در ملک قاتران ، فلک ده در عمارة لوی کتبات امرای آن کرده و در پسر سید محمد در گذشتت آن

پدر این خانم مرحوم سید باقر است اما یکی از دختران حاج میرزا محمد علی امینی از دو خانگی کنده
 آقا کزاد و مادر فرزندان می شود. این دو در گذشتند او را نام و ولادت می نماید در ۱۳۳۳ قمری
 ۱۲۹۳ شمسی و از اذن (در ایفند ۱۳۶۸ شمسی) و چند مرتبه از آن فرزند خانم (۱۳۰۳ شمسی) در سال
 ۱۳۰۳ شمسی با نامهای علی خان (۱۳۰۶ شمسی)، نظام نوچه خان (۱۳۱۳ شمسی) و سعید خان (۱۳۱۴ شمسی)
 داد و خوار شد دیگر با نامهای از آن فرزندان سرور است به همین فرزند و اشعار خانم مبارک و در گذشتند

سلسله خانان مادری

بنابر مندرجات جنگی مشتمل بر مناسبات و مباحثی که تاکنون به نظم و نشر نایز مانده
 از خانان مادری دینار سرخی اسناد خانوادگی و مندرجات تذکره معانی چون
 تذکره نصر آبادی میرزا محمد طاهر و کلمات الشعراء محمد افضل سرخوش و سفینه خوشگو
 از بنده بنامش خوشگو و ریاض الشعراء علی خان و الله دستاخی و تذکره حسینی
 از حسینی و آشکده آذره از لطف علی بیگ آذره و تذکره سروکار از زینعلی علی آباد بلگرامی
 و تذکره نیایج الافکار محمد قزوينی الله گو با موسی دشتی و ابن نواب صدیق خان و
 ریاض العارفین به نام علی خان هدایت و نیز مقاله فضل گرامی معالی آقای عبدالکین
 شمشیری صاحب کتب عفران "در نگاه بزرگ شیعه در قزوین عصر صفوی"
 مندرج در مجله "نسیم قزوین" (شماره اول ص ۱۶۰ به بعد). نخستین نیای مادری
 که از از اهل طایفه داریم مرحوم شیخ یا ملا فتح الله قزوینی است

۱- نسبت صفی آبادی که بر آن فرخنده از آن براساسی نیست و در گذشته مادری است از انبیاست
 مشهوری است تا آنکه ما زنده بودیم و اعتقاد بر آن بودیم که در آن تذکره صفی آبادی ما زنده است
 صفی آبادی را خانم عذراست تمام اشعار در جزئی تمام است ... الخ

زاده دی ملاً محمد رفیع ملقب به رفیع الدین و در جمیع متداول زمان ملاً رفیعا
 مشتمل بر واعظ قرظین متولد ذی حجه ۱۰۲۷ هجری قمری و متوفی سال ۱۰۸۹ قمری
 از دانش گران دانشمند معظم و معتمد است که در کتب معروفه ملاً خلیل بن عباس
 قرظی مشهور به "آخوند ملاً خلیلا" (متولد ۱۰۰۱ رتومی ۱۰۸۹ قمری)
 که در بیاط خود را با استادش تا پایان زندگی نگشست و از کتب و آثار
 بنا بر روایات مشهور در گذشت استاد و شاگرد در یک سال روی داده است: ^{۱۰۸۹} ۱۰۸۹
 واعظ قرظینی بگوالی آثار با زمانه از روی و بر مبای احوال صاحبان
 کتبی رجال و تذکره نویسان در حدیث و فقه و تفسیر و تاریخ و لغت
 و ادب عالی عامل و فاضلی جامع و نویسنده ای حیرت دست و شاعر بلند پای
 و خطیبی گشته زبان و قوی مایه بوده است و به بی نظیرت برخی از فقرات
 تألیفات گرانقدرش "ابواب الجنان" و در بیان لغتیش از معقول و منقول
 و عرفات حطی و افر برده و معانیات و بجزم و فلسفه و طب می دانسته
 و از معانی ربیان مطلع بوده و در اصطلاحات موسیقی را در سخنان خود بر سر
 شکار برده است. ابواب الجنان در سال ۱۲۵۱ قمری در شیراز پس در بغداد
 چاپ کرده اند.

فرزندان واعظ قرظینی بنام محمد رفیع صاحب کتاب "تعمیم ابواب الجنان"
 نیز از دانشمندان بلند آوازه قرظین است.
 ۱- در نوشتن احوال و آثار واعظ از مقدمه دیوان او به قلم استاد مرحوم دکتر سید حسن
 سادات ناهری استقاذه شده است.

فرزند مرحوم محمد شیخ ابراهیم شیخ محمد عیسی نیز از فقوای علمای شیعه و ادیبی
 عصر خویش و صاحب کتاب "ترجمان اللغة" است که بزرگترین کتاب است
 باقی بوسه الحیطه مجدالدین فیروز آبادی است به فارسی در سال ۱۳۳۴ (۱۳۸۸ قمری)
 به چاپ رسیده است و این
 فرزند شیخ محمد عیسی شیخ عبدالکریم صاحب کتاب "مفاتیح معنی و صاحب کتاب
 نظم الخیر و تصدّد الدرر" است.

فرزند شیخ عبدالکریم شیخ محمد علی است که فاطمه خانم دختر مرحوم آخیر خلیفای قزوینی
 متوفی سال ۱۲۰۸ قمری، حبیبه خانم صاحب نیند جوادیار که بانویی جلیل القدر
 بوده، به طبری داشته است. از آن مرحوم شرح حالی در کتاب مستدرکات اعیان الشیعه
 (ج ۳، ص ۱۵۹) و کتاب مشاعر زمان پارسیگوی (ص ۱۷۸ و ۱۷۹) آمده است.
 مرحوم شیخ محمد علی چهارمین بانامهای: حاج ملاعبده الوهاب؛ حاج رضا؛
 حاج کریم و علی مردان داشته است و دختری بانام آمنه خانم که به طبری حاج محمد صالح
 قزوینی در آمده و مادر زریں بیچ خانم ملقبه بقره العین است.
 مرحوم حاج ملاعبده الوهاب دارالشفائی که به نسبت سیادت مادرش لقب
 "شرف" داشته است، اولین متولی مسجد سلطانی (مسجد الطینی) قزوین و ناظر بنای
 آنجا به هزینة فتحی شاه قاجار در بین مجتهدین شهر قزوین بوده است. و از وی
 آثار حیرت انگیزه چند جز مسائل مربوط به خود و فرزندان در محله دارالشفاء، بر جای
 مانده است که از آن جمله است: چهار آیه انبیا از یکی در محاورت و سیزدهمین واقع در
 شرق مسجد البنی که امروزه از میان رفته است؛ و در باجل زینبیه مادر از عقیقه در غربی مسجد
 سلم در فصلای شرقی شهر قزوین و چهارم در محله دارالشفاء. نیز از بین مرد دانشاوه

که کل روضه ای موسوم بزقیی حاصه در شهر اصفهان و در زمان بوده است و نیز تبدیل

سنگه گمانه و قرا بجا نمانده است و نور از اجاره کشید در آن زمان و در آنجا بنام میرزا محمد

حاج رهنه برادر حاج ملاعبه الدوب بانی سوای صلح رهنه در جنوب شرقی سرای

شاه (سرای هندی) صلح کریم برادر دیگر ایشان بانی گرامیه صلح کریم در رفته

کوفه بنام علی داغ از محله سکه شتر بجان است و علی مردان برادر دیگر حرم

حاج ملاعبه الدوب در قدمت ایشان در جمع آوری احوالات مجتهدان عظیم ایشان

زمان اراک در حرم شریف (حاج ملاعبه الدوب) و دیگر احوالات شرعی آن مرحوم

صرفه دست نمی کرده است بنام مجموعه چهل احوال اجتهاد جمع آوری ایشان

در کتب نجاشه در درون سید محمد محیط جلا جلی است که اکنون در جنت فرزند

آن مرحوم است

ش در درون حاج ملاعبه الدوب پنج پسر با نامهای آقا میرزا باقر و آقا میرزا ابوالقاسم

ملا باقی، حاج میرزا ابوالحسن (در وین متولی مسجد النبی)، آقا میرزا هادی و

میرزا محمد علی و پنج دختر با نامهای: سکینه خانم، باطین سلطان خانم، رقیه خانم

زهرا خانم و حدیقه خانم داشته است.

آقا میرزا ابوالقاسم ملا باقی که سمیت معلی ناصر الدین شاه قاجار برادر درویش

داشته است چهار پسر و یک دختر است. همسر آن مرحوم فخران دات خانم دختر مرحوم

آقا سید زین العابدین مجید السادات است. فرزندان مرحوم مجید السادات بابا خان و

محمد در ترفین اقامت دارند. منزل چهار حوض ن در کوفه روی گرانه عقل و در آن

مرحوم ملا باقی فرزند بیستم میرزا آقا خان مستوفی و دو دختر بانام مجتهد و حلیه

داشته است که آن دو خواهر در جوانی درگذشته اند.

مرحوم میرزا آقاسی مستوفی از همسر خود کبری خانم دختر مرحوم شریف محمد باقر
 دو دختر به نامهای حضرت الملوک و حضرت الملوک (با درنگار زندان) و دو پسر به نامهای
 اعلی محمدخان که در تبریز میماند و بهار خصم در گذشتن او عهدی بر او کرده و در سن ۱۰۰
 و در آن سال سنبله خانه و بناه با و برون شده است و دختر دیگری نامها صدوزمان خانم از همسر
 دیگرش (مرحوم جبرئیل باجی خانم) داشته که در بهار خصم صاحب غلام رضا عبدی در کتک
 از تجار قزوین است

۳۱) مشغل اداری در قزوین

الف - استعفاء در اداره قزوین بدست یک سال تحصیلی (مهرماه ۱۳۰۸ شمسی تا
 پایان شهریورماه ۱۳۱۸ شمسی) ماهی پانزده تومان حقوق براساس حساب در سال ششم دبستان
 پهلوی در استان پانزده پهن و دوازده دفتر دبیرستان پهلوی

ب - استعفاء در وزارت دارائی به عنوان کارمند آموزشی با ماهی صد تومان حقوق و اشتغال
 در اداره کل مالیات تهران غیر مستقیم از سال ۱۳۱۹ تا سال نیمه پنجمی در حد فانی چون با مرور
 مایعات صدری در نتیجه راه آسودن معاونت دایره قوانین در بین دفتر اداره و پس انتقال به
 اداره کل مالیات تهران مستقیم از سال ۱۳۲۳ شمسی تا سال ۱۳۳۱ شمسی در صورتی چون ریاست
 دفتر از آنجا که مایعات مستقیم و عضویت کمیسیونهای مالیاتی بدوی و نیز کمیته نظارت و ریاست
 در دایره قوانین به کار دارائی تهران و عضویت شورای عالی مالیاتی و عضویت کمیسیون
 نظارت انتصارات و وزارتخانه و بازرس مخفی مدیریت کل و نظارت بر اعمال مأموران
 وصول مالیات و با عیون به کربلایکین طبق تصویب نامه هیئت دولت براساس دستور مالیاتی

۱- شرح حالی از مرحوم حاج ملا عبدالوهاب همراه عکس از افراد خانواده از اداری با شماره
 خط فزاید ۱۷۴ شماره ۱ که در شماره ششم مجله میراث ها و دیدان زمی ۲۶ چاپ شده است.

میرزا آقاسی مستوفی

فردوزف تا پایان بهریر راه ۳۴۰۰ شمس
 عضویت انجمن ایرانشناسی به مدیریت استاد مرحوم امیراعظم میرزاورد
 با عنوان دبیر انجمن از سال ۱۳۲۵ تا سال درگذشت استاد میرزاورد در سال
 ۱۳۴۸ شمس و شرکت در تالیف آیین نامه و کتاب جشن بندگان از سلسله کتابهای
 انجمن

۵- اشتغال در لغتنامه دهخدا از مرداد ماه ۱۳۲۶ شمس به مدت نه سال
 با خرد استاد مرحوم در تنظیم و طبع حدودی خط "فن اول" دهمی از حرف "پ"
 و نظارت بر کارهای نگارندگان تا پایان یافتن تالیف لغتنامه و طبع آن
 در سال ۱۳۵۹ شمس

۶- تهیه مقدمات تالیف لغتنامه فارسی "با استخراج لغات از مقول
 مستطرم منتشره در سراسر کشور به نامیرد و متن از دستیاران و نظر خواهی
 از استادان ادب و متینان قواعد بود در نتیجه کار به اتمام تالیف آن لغتنامه
 و آغاز طبع آن بلافاصله پس از اتمام طبع لغتنامه دهخدا در نیمه دوم سال
 ۱۳۵۹ شمس و طبع شدن حرف "آ" و قسمتی از حرف "الف" تا لغت

۷- هیئت مدیره تا سال ۱۳۸۱ شمس تقطیع رحلی و نیز در قطع و وزیر و رفیق
 ۸- عضویت علمی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از سال ۱۳۵۵ شمس تا سال
 ۱۳۸۹ شمس

۹- مدیریت مجله "نشریه مالیات" به مدت دو سال در سال ۱۳۸۰ تا
 ۱۳۸۱ که اداره قدسین وزارت دارائی عمده در طبع و نشر آن بود

۱۰- عضویت در هیئت تحریریه مجله "بیک نور" (علوم انسانی) در سال ۱۳۸۰

پیام نورترین سال اول بهار ۱۳۸۳ تا سال هفتم چهارم ۱۳۸۸ شمسی که طبقه اول بود

۶- ح - تدریس دستور زبان و متون فارسی در درگاه شاه علی در دانشگاه مشهد

بهشتی

۷- ح - تدریس دستور زبان و متون فارسی در پژوهشگاه نوین گامیان

۸- ح - تدریس دستور زبان و متون فارسی در دانشگاه تهران

۹- ح - تدریس شاهنامه در دانشگاه بین الملل قرظین (دانشگاه ادبیات) از

۱۰- ح - تدریس در آکادمی عالی وزارت در امری دستور زبان و متن فارسی به مدت پنج سال

از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۹ شمسی در تون مایعات در بانک قرضه کابل و در شهر اردکان

۱۱- ح - تدریس در بخش فارسی دانشگاه یکن هم در مدت آن دانشگاه به مدت چهار ماه در

به دانشگاه جینی و در اینجور این تا جیک فارسی خوب در مورد زبان آیراه ۱۳۵۰ شمسی

۱۲- ح - تدریس در بخش فارسی (قسم اللغة الفارسی) دانشکده ادبیات دانشگاه عین شمس مصر

(کلمة الادب بهامنه عین شمس) دو نیمت در سالها ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ شمسی در مدت

سه مدت یک ماه در سخانی در جامع ازهر در دانشگاه فواد اول قاهره در ماه اسفند

اردی و تا پنج ادبیات ایران و غیره

۱۳- ح - جلیات هفتگی روز چهارشنبه از ساعت ۱۰ تا ساعت ۱۱ مستقر از دانشگاه

اردیسان و مدیران بر فر مطبوعات طرز مانبول در آقابان و تهر و شفقانه به مدت پنج سال

و مستقر در همین دیکلمات در در شیراز و بهرستان سرد و تاریخ بهستی و جلیات هفتگی

در سال ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه

سیدت سال ۱۳۰۰

در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه

سیدت سال ۱۳۰۰

در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه

سال ۱۳۰۰

در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه

در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه

در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه

در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه
 در روز شنبه ۱۳۰۰ هجری قمری در تهران در روز ۱۰ شهریور ماه

۵ - فهرست آثاری که تصحیح یا تالیف ریاضیه کرده و در چاپ شده نام

- ۱- نفع در بیان سنجش در بیان (۱ چاپ) ۱-۲- نفع در بیان ذوق سیستانی (۱ چاپ) ۱-۳- نفع در بیان
- عربی بلخی (۲ چاپ) ۱-۴- نفع در بیان لامعی گنگانی (۳ چاپ) ۱-۵- نفع در تعلیمات در بیان
- شاد داری سیرت در در و مجله (۱ چاپ) ۱-۶- نفع در زراعت تنباکو که گنگاوی بن که خردین در (۲ چاپ)
- ۷- نفع در هنرهای فردی بر سر چاپ کاشته (۱ چاپ) ۱-۸- طبع در هنرهای در سبب و روش
- مجله بایرگ در بیان بیشتر در آغاز و سنی در شرح لغات و تعبیرات ذیل ابیات (۳ چاپ)
- ۹- گلشنی از دست هنرهای فردی با نام نامور نامه باستان (۱ چاپ) ۱-۱۰- نفع در سواد نامه فارسی و
- ۱۱- نفع در سفرنامه مکه: جامع مختصر السطحة هر ایت (۱ چاپ) ۱-۱۲- نفع در سواد نامه فارسی
- ۱۳- نفع در شرح القلوب حمد لغوی در (بخش ابیات) (۱ چاپ)
- ۱۴- نفع در جامع التواریخ ریشه الی فضل به (بخش اسما عیله) (۱ چاپ) ۱-۱۵- نفع در بخش
- سامانیان و مغزینان جامع التواریخ (۱ چاپ) ۱-۱۶- نفع در بخش تاریخ فرنگ جامع التواریخ
- (۱ چاپ) ۱-۱۷- نفع در طبع تاریخ لیرب تالیف عبد القاب آستینانی از آغاز اسلام تا سلطه
- میلور (۴ چاپ) ۱-۱۸- نفع در طبع لغتنامه بر سر چاپ عادل مکران (۱ چاپ)
- ۱۹- نفع در طبع فرنگ چراغ هدایت (۱ چاپ) ۱-۲۰- نفع در طبع مجمع العزیز سرورس
- کاشفی (مکرر کامل) در سه مجلد (۱ چاپ) ۱-۲۱- گزیده تاریخ سیهی (۲ چاپ) ۱-۲۲-
- میر گزیده تاریخ سیهی (۱ چاپ) ۱-۲۳- گلشنی از سواد نامه فارسی از (۱ چاپ) ۱-۲۴-
- گلشن باز یافته (احوال و مشارکات در بیان از دست گرفته) (۱ چاپ) ۱-۲۵- پیشه ها
- سفرنامه در احوال به گزیده اشعار و لغت شاعران در بیان (۱ چاپ) ۱-۲۶-
- ۲۷- در مدون کامل علامه در بیان (۱ چاپ) ۱-۲۸- نفع در طبع تذکره الملوک در بیان (۱ چاپ) ۱-۲۹-
- (۱ چاپ) ۱-۲۸- نفع در طبع تذکره الملوک در بیان (۱ چاپ) ۱-۲۹- طبع در لغات در بیان
- ۳۰- طبع در لغات در بیان (۱ چاپ) ۱-۳۱- طبع در لغات در بیان (۱ چاپ) ۱-۳۲-

نامها و عناوین و مدت حکمرانی معین سلطنت ماد و لغات پیشین و لغات میان رس سید
 و سلطنت و دوران اسلامی تا سلطنت بهادر - (اهلیت) - اسرار محرقه قرآنی در مدخل مالیات بر زمین
 کتاب ۱۲۴۴ شمسی (اهلیت) ۳۲ - گفتار در دلاویز و آموخته ماری (۳۰۰) -
 ۳۳ - یقین و طبع هر بنی بایه بیان الدیان - (اهلیت) ۴۰ - تاریخچه فرهنگ و مدارک
 قزوین از آغاز تعلیمات یونان تا پایان سال ۱۲۸۸ شمسی با ملاحظه بر آثار زهره بزم صفاری
 (اهلیت) ۴۵ - سیر تاریخی بنا بر قزوین در بنامهای آن (اهلیت) ۵۰ - تاریخچه
 سرش از قزوین در ۱۲۹۹ شمسی (اهلیت) ۵۳ - سبزه بر سر سوره و انبیا می برد
 در طبعی بر صیفی (اهلیت) ۵۸ - آغوشی بر ریحان و دامن می پر گل (اهلیت) -
 ۵۹ - بر ننگان باغ و دروغ و دروغ (اهلیت) ۴۰ - برگزیده اشعار زهره بزم صفاری
 ۶۱ - برگزیده اشعار صفور (اهلیت) ۴۲ - برگزیده اشعار زهره بزم صفاری
 قزوینی به نظم و نثر (اهلیت) ۴۳ - رنگ رگی از آلب سبزه و آلب مشور
 (مجموعه اشعار حرم) (اهلیت) ۴۴ - هنرست و علم و اما کن و قبایل و کن بهای
 تاریخ حبیب امیر احمد و زمانه حیات حیات (اهلیت) ۴۵ - فارسی
 سر کوهی (اهلیت) ۴۶ - شعر در دلاویز و آموخته ماری پیشین و آموخته
 (اهلیت) ۴۷ - شعر در دلاویز و آموخته ماری معاصر (اهلیت) -
 ۴۸ - شرح حال از بهادر در زمانه (اهلیت) ۴۹ - راه آورد حکمت (مستتر بر سفره ای
 ش در دین علی من حکمت سیر از در دین و فایه کثر نادر در مجلد (اهلیت) -
 ۵۰ - راه آغاز حکمت (ماد در دستار روزانه مرحوم حکمت از همه سالگی تا بیست و چهار سالگی
 در شهر از (اهلیت) (اهلیت) - ۱ - ماد در دستار روزانه مرحوم حکمت در دوران تحصیل
 در کالج ارفقیان تهران باقران راه آموخته حکمت در مجلد (اهلیت) ۵۲ - ماد در دستار
 ماد در دستار مرحوم حکمت (اهلیت) (اهلیت) (اهلیت) (اهلیت) (اهلیت) (اهلیت) (اهلیت) (اهلیت) (اهلیت) (اهلیت)

۵۵- در لغت‌ها و فرهنگ گفته‌ها در لغت معرود با لغت زنگنه در سه شصت لغت و امیر

و بسیار بیشتر تا لغت سزا. با شرح فارسی با شرح عربی یا به یکباره در سایر لغت‌ها نوشته در انگلیسی

و روسی و آلمانی و چینی و ژاپنی و ایتالیایی و لاتینی و فرانسوی و روسی و

و کورئیی و محلی (۲ جلد) . ۵۷- کتب در اشعار و کتب در لغت و لغت معرود

دینار (۳ جلد) . ۵۸- کتب الامایات قرآن کریم در اسرار عربی و لغت

بسطی رحلی همه قرآن کریم در قطع در زیر عهد گمانه (لغت کرام) ۱ جلد

۵۹- کتب الامایات در اسرار کرامت سیدان اسرار عربی و معنی لغت (کتابخانه)

۶۰- کتب در لغت در اسرار کرامت سیدان اسرار عربی و معنی لغت (کتابخانه)

در لغت کرامت (کتابخانه) لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

لیلی و مجنون و هفت بیکر و اجناس لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

۶۷- کتب الامایات لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

۶۸- کتب در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

۶۹- کتب در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

کتابخانه کرامت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

۸۴- کتب در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

کتابخانه کرامت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

کتابخانه کرامت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت در لغت

- ۱۷ - بویانی مشک یا تو صیف عطار . ۱۸ - بخت الدرد و انوشیروان جامع علوم اربعه
- ۱۹ - علقه به ای در بزرگداشت ملکه نورا و بهار . ۲۰ - مقبره ای بر گلستان سدی عباسی
- ۲۱ - علقه الدرد بر باغیشت ای . ۲۲ - وقفنامه قنات صبر آباد
- ۲۳ - کاظم آباد در کاشانی بزرگ باغ نظامیه تهران . ۲۴ - گوشه ای از سفرنامه چین
- ۲۵ - زلف العیش زلف العیش . ۲۵ - سفرنامه دربار آصف . ۲۶ - دستاورد سید
- ۲۷ - ابیات سازمانه در بحر زمل از رودکی . ۲۷ - درباره نیش انگور ای
- ۲۸ - عارف قزوینی . ۲۸ - موقوفات مرحوم امین الدوله . ۲۹ - درباره رودکی در
- ۳۰ - شاهنامه . ۳۰ - داستان جلالت در انگار تهران . ۳۱ - القاب و
- ۳۲ - عساکر اشخاص رانان و توصیفت عرب از زرفی شهرآ . ۳۲ - ناحیه سرکره
- ۳۳ - دیالت بین چنانک (ترکیب از صفت) . ۳۳ - در وصف از ستر ستر و قزوینی .
- ۳۴ - کتب بزرگهای قزوینی . ۳۵ - تعلیمات نوین در قزوین . ۳۶ -
- ۳۷ - خطبه ای در بزرگداشت حاج سید نصر الله میر جوادی . ۳۷ - خطبه ای در بزرگ
- ۳۸ - بزرگداشت محمد مصطفی . ۳۸ - سخنرانی درباره مرحوم دکتر محمد جواد بسکندر
- ۳۹ - دائره المعارف بزرگ اسلامی . ۳۹ - سخنرانی درباره بزرگداشت حاج محمد آقا خجندی
- ۴۰ - الفوارز در بیت . ۴۰ - سخنرانی درباره استاد سعید نفیسی . ۴۱ - سخنرانی
- ۴۲ - درباره رودکی در سالاد هجرت . ۴۲ - جزوه نامه مزین به کلمات قصار حضرت علی (ع)
- ۴۳ - لغات حافظ بزرگ از دیدار و در بیان شعر حکمت . ۴۳ - کتابچه (مداد) وقفی
- ۴۴ - و حافظه در زبان ایران . ۴۴ - سخنرانی درباره حاجیان روح خطی . ۴۵ -
- ۴۵ - لغات الصبیان . ۴۵ - آذربایجان فارسی علمی مؤرد . ۴۶ - (مجموعه از لغات ایران)
- ۴۷ - چند نکته درباره رودکی در شاهنامه . ۴۷ - سخنرانی درباره ملا حضرت علی
- ۴۸ - نام مرحوم علی نقی منزوی . ۴۸ - جولاگان . ۴۹ - محله های قزوین .

۵۳ - سخنرانی در مجلس بزرگداشت دکتر ابراهیمی . ۵۵ - متن سخنرانی در باب مرحوم محمد علی
 گلرنگ در مجلس بزرگداشت آن مرحوم . ۵۶ - متن سخنرانی در باب مرحوم محسن مستوفی
 در مجلس بزرگداشت ایشان . ۵۷ - مکاتبات نقار حبیب الله با چادر . ۵۸ - متن سخنرانی
 در مجلس بزرگداشت دکتر کمالی در سفیریهها . ۵۹ - متن سخنرانی در مجلس بزرگداشت
 محدث آرمی . ۶۰ - متن سخنرانی در باب مرحوم فروزانفر . ۶۱ - متن سخنرانی در باب
 مرحوم پارس گناباد . ۶۲ - متن سخنرانی در باب مرحوم دکتر سید محمد خلیلی . ۶۳ - گویا .
 ۶۴ - تون و طبع . ۶۵ - سنگ پیرزین . ۶۶ - زنگدار . ناگرددش بچی .
 ۶۷ - عالم ربانی حاج ملا عبدالوهاب قرظی . ۶۸ - سخنرانی در باب زودی در تالار کنکانه امام در تهران
 ۶۹ - هلدگر و وزیر دست نواز سبکبند . ۷۰ - معمار کاخ بلند نظم فردوسی . ۷۱ - آیه
 صد هزار . ۷۲ - اجتماع کلاغان و هجرتان هم میری شکر الهامه تبرک . ۷۳ - در باب کتاب
 مسماخانه بزرگ فردین . ۷۴ - سخنرانی در دانشگاه رودهن در باب دهخدا . ۷۵ - سن زنگار
 روز انجمن اثر با حیم . هم نسبت طبع مکتوبم در بیان سوزید . اثر در حقیق الملک . ۷۶ - هایش
 بین المللی یادگار مهربان (بزرگداشت رودکی) . ۷۷ - متن سخنرانی در بزرگداشت مرحوم
 دکتر محمد سعید . ۷۸ - ع هانم بزدلی و سعید ش هانم . ۷۹ - متن سخنرانی در مجلس بزرگداشت
 علامه مرحوم دهخدا در فردین . ۸۰ - معمار کاخ بلند نظم فردوسی هلی . ۸۱ - متن
 حقیق هم فردوسه در انجمن آمار ملی هم نسبت بزرگداشت حق . ۸۲ - نام سبک نوشتار
 صحیح مکن در یادمانه استاد مرحوم دکتر عفا محسن صدیقی . ۸۳ - ابیاتی در رثاء
 ایچ پش در در مجله . ۸۴ - ابیاتی در بزرگداشت دکتر خود آتری استاد دانشگاه گویا
 ۸۵ - مقاله در روزنامه حدیث فردین هم نسبت ساگر در بزرگداشت استاد محمد مستوفی . ۸۶ - معتمد بر این
 منتجاست هانم که میف عینا بنده کرده و این راه لادکی اروم به طبع رسانده است . ۸۷ - قهلیت

حاصلِ عمر

به گفته سخنرانی مولوی بلخی سه سخن :

خامی . پختگی سوخگی

هزار عمر به معنی نیست خام بدم ، بچنه شدم سوختم .

به تعبیر حردم سه نود و دو سال :

۱- نود و دو سال زندگی پر فراز و نشیب کودکی تحصیلی ، اعزازات اداری و فرهنگی با یادگار سخنرانی است .

۲- نود و دو سال که قیمت اعظم آن بیخ متون نظریه نشر و چند تألیف و یک ترجمه است .

۳- نود و دو ساله در مرز عمارت گوناگون ادبی ، تاریخی ، لغوی ، اجتماعی و جز اینها .

عکسهای ارز :

- ص ۳۰
- ص ۳۱
- ص ۳۲
- ص ۳۳ تا ۳۴
- ص ۳۵ و ۳۶

- کودکی .
- نوجوانی .
- جوانی .
- میان سالی .
- کهنسالی .

دستنامه : ص ۳۸ تا ۴۴

ن والقلم و ما یسطرون

زیستن در عصر ارتباطات ملزومات خویش را می طلبد و رسانه از مهم‌ترین آنهاست. تنوع در
 عرضه‌ی رسانه‌ها و بروز و ظهور رسانه‌های دیجیتال و ابزارهای چند رسانه‌ای در کنار رسانه‌های
 مکتوب، دغدگی و شنیداری همه و همه نشانه‌های اهمیت اطلاع‌رسانی در این دوران است و
 خبرنگاران نقطه عطف این فرآیند هستند. جهت‌بخشی‌های مفهومی، اصول هر رسانه را هویدا
 می‌کند و اگر قبل از خبرنگار بودن مومن باشیم و پاک، رسانه هویت الهی خویش را می‌باید
 امید آنکه شماره در این شرایط مستقیم ثابت قدم باشیم و استوار.

عزیز ارجمند **استاد سید محمد میر سیّدی**

مقدمه مراد. روز خبرنگار را به شما پیشگامان عرضه اطلاع‌رسانی تبریک عرض نموده
 از بارگاه حضرت حق سلامتی و بهروزی را برای شما آرزو مندیم. همواره موفق باشید و سرفراز.

عبدس شاهی
 رئیس شورای کلاسی خبر فرزین

سید محمد میر سیّدی
 سهروردی فرزین

CONTINENTAL

بسم الله الرحمن الرحيم

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

به پاس حمد و ثناء لادب و فرهنگ پرستان این قرن عفت و شکر به صفات نیک و سعادتمندانه سرشار

دانشمند فرزانه استاد دکتر سید محمد دبیریا

دکتر سید محمد دبیریا از دانشمندان برجسته و فرهیختگان این سرزمین است که با کوشش و تلاش بی‌وقفه در راه پیشرفت و توسعه کشور عزیزمان ایران گام‌های ارزنده برداشته و در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند.

لوح سپاس

دانشگاه فرهنگستان هنر و علوم اسلامی - تهران

سندادین

سید کاظم

بنام خداوند سبحان خرد
کزین برتر اندیش برگزیده

کلیخ طند هراسی است اما تو س به جان سان که
پیش پای می کرده بود از باد و باران حوادث گزندگنا
نیامده بر چرخ کوه البرز استوار و سر طند بر جای
مانده است .

دکتر محمد یاسین ربیعا



استاد فرزانه جناب آقای دکتر سید محمد میر سبانی
تقریباً شواله شش هفتاد و شش سال ازین بگذشت که تین میلادش عید ولادت
شما بنام ساری فردوسی، شایسته می ستایش است .
لینز لوج پرسم با راجعه در مناسبت برگزیده ستایش بزرگ شد
فدائمه تر توس بر شرف تقدیم می گوییم .

با کمال احترام و تقدیر از دردمند و مخلصانه کلام و کلامه در عرش ابدی



با تقدیم احترام
محمد ساسانی
رئیس کانون ادبی و فرهنگی
دانشگاه علامه طباطبائی
تهران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آقای محمد دبیر سیاقی از جوانان فاضل و متبحر اند که در ادب
فارسی مشابرتی و نبیون نظم و شرآن الاهی خاص دارند و در بیان
شباب می کوشند تا از نتایج مجاهده کمن سالان و مظهره فن برخوردار
کامل یابند و حاصل رنج خود را در دسترس دوستان ادب گذارند.
و از ویر باز که در کار لغت نامه اشغال داشته اند علاقه و افری از خود
که از انکم طبع بیرون
نشان داده اند که موجب کمال رضایت خاطر اینجانب است.

تاریخ اسفند ۱۳۳۴ علی اکبر دهندا

محمد دهندا

